

نظریه بازی‌ها و فرازونشیب روابط روسیه و اتحادیه اروپا در هزاره جدید*

سعید عطار

دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه یزد

مرضیه تاجمیری**

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه یزد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۸/۱۳)

چکیده

از گذشته تاکنون، روابط روسیه و اروپا از مهم‌ترین موضوع‌ها در میان تحلیل‌گران روابط بین‌الملل بوده و در مطالعات متعدد تلاش شده است این روابط، از چشم‌اندازهای نظری متفاوتی تحلیل شود. نظریه بازی‌ها از جدیدترین ابزارهای تحلیلی در مطالعات روابط بین‌الملل است. نوشتار حاضر با استفاده از نظریه بازی‌ها و بهره‌گیری از روش پژوهش کیفی و ابزار مطالعات اسنادی، تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که چه بازی‌هایی در روابط روسیه و اتحادیه اروپا در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ وجود داشته است؟ نتیجه‌های این نوشتار نشان می‌دهد که در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴، عملکرد بازیگران همراه با بدبینی متأثر از فضای امنیتی بحران کوزوو، با شرایط حاکم بر بازی معمای زندانی هم‌خوانی دارد که پس از آن به دلیل سطح وابستگی اقتصادی-تجاری، مجاورت جغرافیایی و تروریسم به بازی دست به ماشه تبدیل می‌شود. در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ با وقوع انقلاب‌های نارنجی، استقرار سپر دفاع موشکی و جنگ گرجستان، به تدریج سیاست همسایگی اروپا در برابر سیاست همسایگی روسیه قرار گرفته است و بازی با حاصل جمع صفر شکل می‌گیرد. در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ پیشنهاد مدودیف مبنی بر نظم نوین امنیتی به همراه بحران مالی و ضرورت تأمین امنیت انرژی به محرکی مهم برای چرخش در سیاست‌های تقابلی و شکل‌گیری بازی شکار گوزن تبدیل می‌شود؛ ولی در ادامه مشکلات مربوط به حقوق بشر، شدت‌گیری رقابت در حوزه انرژی و شکل‌گیری بحران‌های سوریه و اوکراین دو بازیگر را در مسیر بدون بازگشت تقابل در قالب بازی جوانک ترسو - که تاکنون (۲۰۱۸) نیز ادامه دارد - هدایت کرده است.

کلیدواژه‌ها

اتحادیه اروپا، راهبرد، روسیه، سیاست خارجی، نظریه بازی‌ها.

* این مقاله مستخرج از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد است.

** نویسنده مسئول

مقدمه

شکست کمونیسیم مسائل جدیدی را مطرح کرد که مهم‌ترین آن‌ها بحث رابطه روسیه جدید با غرب و به‌طور خاص اتحادیه اروپا بود. با به ثمر نشستن اعتراض‌های اوت ۱۹۹۱ و فروریختن دیوار برلین، فضا برای ارتباط هرچه گسترده‌تر دو بازیگر در قالب نقشی جدید فراهم شد. در نتیجه، سطح جدیدی از روابط همچون حفظ همگرایی اروپا با پذیرش در سال ۱۹۹۳، موافقت‌نامه همکاری و مشارکت در سال ۱۹۹۵، سیاست دفاعی-امنیتی مشترک در سال ۱۹۹۹ ایجاد شد؛ ولی پس از دوره‌ای کوتاه سطح روابط دو طرف با به‌کارگرفتن سیاست‌هایی چون حمله روسیه به چچن، تصویب‌نشدن پیمان سالت ۲، مسائل صربستان، برنامه مشترک برای صلح و نگرانی‌های مربوط به کشورهای حوزه خارج نزدیک از طرف روسیه و توسعه ناتو، برنامه مشترک برای صلح، پیمان نیروهای متعارف غیرهسته‌ای، گسترش تسلیحات، عضوگیری از اروپای شرقی، بحران کوزوو و یوگسلاوی از طرف غرب، متشنج شد (Karami, 2005: 126-138).

شروع قرن بیست‌ویکم نیز با آغاز همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تلاش برای حفظ صلح به‌ویژه بعد از حمله‌های یازده سپتامبر و تأسیس شورای ناتو-روسیه به‌جای شورای دائمی، روابط رو به بهبودی می‌رفت؛ ولی روند نزولی رابطه در بحران‌هایی چون گسترش ناتو، جنگ گرجستان، گسترش سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی و مدیترانه، بحران گاز، بحران مالی و در آخر دو بحران اوکراین و سوریه دیده می‌شد (Aghaei and Samoodi, 2013: 18, 23).

با توجه به علاقه مشترکی که میان نظریه‌پرداز بازی‌ها و محقق علم سیاست در توجه به تصمیم‌گیری، همکاری و تعارض وجود دارد و از آنجا که نظریه بازی‌ها نیز توجه خود را بر یک سیاست‌گذاری «عقلایی» متمرکز می‌سازد که بیشترین مطلوبیت را برای بازیگران به همراه داشته باشد، استفاده از این چارچوب در تحلیل مسائل بین بازیگران سودمند است (Omidi and Others, 2012: 112). این نوشتار تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که چه بازی‌هایی در روابط روسیه و اتحادیه اروپا در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ وجود داشته است؟ بررسی بازی‌های متنوع روسیه و اتحادیه اروپا در این زمان می‌تواند به درک منطق روابط این دو بازیگر مهم حوزه بین‌الملل کمک کند.

چارچوب مفهومی نظریه بازی‌ها

با توجه به نقش چانه‌زنی، ستیز و راهبرد در کنش و واکنش دولت‌ها، فضای راهبردی و به‌هم وابسته روابط بین‌الملل، نظریه بازی‌ها نه تنها ابزاری برای درک واقعیت‌های مختلف فراهم می‌کند، بلکه تأثیرگذاری عامل‌های مختلف را هم نشان می‌دهد و آنجا که اطلاع کاملی از رفتار

طرف مقابل در دسترس نیست، یاری می‌رساند (Tema, 2014: 1). بنابراین بازیگران در شرایطی متفاوت مجبور به انتخاب می‌شوند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. معمای زندانی^۱

دو مظنون در ارتباط با جرمی مشترک دستگیر می‌شوند؛ مظنونین می‌توانند به جرم خود اعتراف کنند و از بخشش در نظر گرفته شده پلیس استفاده کنند یا اعتراف نکنند و دست به انکار بزنند. در واقع باهم همکاری داشته باشند (Carmichael, 2005: 58).

۲. بازی دست به ماشه^۲

با تکرار معمای زندانی، یکی از بازیگران با انتخاب راهبرد تعاونی، بازپرداخت موجود در یک بازی یک مرحله‌ای را به مرحله بعد تسری می‌دهد؛ زیرا از دید او بازیگر مقابل نیز برتری همکاری را بر همکاری نکردن ترجیح می‌دهد (Kreps and Milgrom, 1982: 3, 4).

۳. بازی با حاصل جمع صفر^۳

در این فضا بازیگر تلاش می‌کند بازده خود را به بیشترین حد و بازپرداخت رقیب را به کمترین حد برساند. از آنجا که همواره برد آن‌ها با باخت حریف همراه است و برعکس، یک راهبرد بهینه یا دوم را برای بیشینه‌سازی کمترین میزان امتیاز خود، در نظر می‌گیرند (Narahari, 2008: 1).

۴. بازی شکار گوزن^۴

در این بازی، مسئله اصلی اعتمادکردن و اعتمادنکردن میان بازیکنان برای همکاری در راستای منفعتی بزرگ و مشترک (گوزن) یا منفعتی کوچک و مستقلانه (خرگوش) است (Panduston, 2012: 279).

۵. بازی بزدل (جوانک ترسو)^۵

در این بازی دو خودرو به سوی هم در حرکت هستند و آنچه مهم است انتخاب هم‌زمان هر دو بازیگر است که هریک باید از میان برخورد متقابل، انحراف یک‌جانبه یا ادامه مسیر تا پیروزی، دست به انتخاب بزنند (Panduston, 2012: 252-253).

-
1. Prisoner Dilemma
 2. Grim Trigger(GT) Game
 3. Zero-sum Game
 4. Stag Hunt Game
 5. Chichen Game

روابط روسیه و اتحادیه اروپا: دوره‌ها و بازی‌ها

۱. از همکاری تا بی‌اعتمادی (۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱): بازی معمای زندانی

گسترش اتحادیه اروپا و از سوی دیگر ناتو به اروپای شرقی، همچنین بحران کوزوو در یوگسلاوی و مناقشه میان آلبانیایی‌ها و صرب‌ها برای استقلال، نشان داد که رویدادهای رخ داده در این منطقه تنها امری در حوزه دخالت روسیه نیست؛ بلکه این رویدادها جنبه‌ای بین‌المللی یافته و بازیگرانی فراتر از سطح بحران داخلی پیدا کرده است (Tsygankov, 2016: 97). این فضای امنیتی در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ نوید صلحی سرد یا جنگ سرد جدیدی را می‌داد. بدبینی، قطعیت‌نداشتن و ملاحظه‌های سیاسی و امنیتی حاکم بر روابط دو طرف، مانع از تعامل سازنده و شکل‌گیری فضای دور از تنش می‌شد و بازیگران در دوراهی همکاری کردن یا همکاری نکردن مردد ماندند. این شرایط گویای بازی معمای زندانی است.

اتحادیه اروپا راهبرد دفاعی-امنیتی مشترکی را در سال ۱۹۹۹ تصویب کرد که به دنبال هماهنگی بیشتر با روسیه در زمینه ایجاد نهادهای قانونی و دمکراتیک، ادامه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و همکاری با روسیه آن را به کار گرفت. پاسخ روسیه به راهبرد مشترک اروپا، یک سند راهبرد میان‌مدت برای استفاده از موقعیت اتحادیه اروپا برای نوسازی و توسعه اقتصادی، ایجاد نظام امنیتی در مقابل ناتو و دخالت‌های پی‌درپی آن‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز بود (Zarei Hedek, 2012: 85-88). تا این لحظه هر دو بازیگر تصمیم‌هایی همراه با احتیاط گرفته‌اند و به همکاری‌های خود در سطح قبل ادامه می‌دهند. اما سیل آوارگان کوزوو به اروپا به بی‌ثباتی منطقه از جمله صلح‌شکننده در بوسنی، گسترش خشونت به کشورهای بالکان و گروگان‌گیری دوباره اروپا به مانند جنگ سرد منجر شد. در نتیجه، اتحادیه اروپا با پشتیبانی ناتو خود را نهاد مسئول برای تحول دمکراتیک در منطقه بالکان دانست و در نشست کلن و ساریوو در سال ۱۹۹۹ مشارکت روسیه را در تحول دمکراتیک منطقه نادیده گرفت (Arbatova, 2008: 71-74). به کارگرفتن این راهبرد، تک‌روی اتحادیه اروپا (زندانی اول) را در فضای امنیتی غالب بر روابط (زندانی) و اعتمادنداشتن به زندانی دیگر نشان می‌دهد.

از سویی، پس از حمله‌های هوایی ناتو به کوزوو و توافق برای ایجاد نیروهای حافظ صلح ناتو در کوزوو و در آخر قطعنامه شورای امنیت مبنی بر حاکمیت یوگسلاوی در کوزوو برای بار دوم بعد از جنگ سرد، روسیه (زندانی دوم) در این منطقه شکست خورد. بار اول در جریان جدایی‌طلبی چین و داغستان و بار دوم در بحران کوزوو و عضویت جمهوری‌ها (لهستان، مجارستان و چک) در ناتو در سال ۱۹۹۹ بود. روسیه در اولین واکنش تدافعی همه همکاری‌های خود با ناتو از جمله مشارکت در شورای دائمی مشترک را به تعلیق درآورد (Karami, 2005: 138-140). در واکنش دوم، دومین آیین نظامی روسیه پس از سال ۱۹۹۳، در

۲۱ آوریل ۲۰۰۰ منتشر شد که مسکو در این سند گسترش دامنه بازاریابی به عملیات پیش‌دستانه، حق استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در پاسخ به حمله‌های متعارف و سلاح‌های کشتار جمعی را مجاز می‌دانست (Sokov, 2000: 1).

۲. همکاری در سایه تهدید (۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴): بازی دست به ماشه

با توجه به شرایط حاکم بر سطح روابط بین‌الملل همچون رشد چین، تلاش روسیه برای بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی، افزایش درگیری‌های جنبش‌های اسلامی در جنوب و توجه به مسائل همسایگی و امنیت مشترک با توجه به گرایش‌های جمهوری‌ها به عضویت در اتحادیه اروپا و ناتو و در آخر مبارزه با تروریسم و حذف روسیه از فهرست تهدیدهای غرب، شرایط همکاری با اعضای اروپایی ناتو بیشتر فراهم شد و مواضع تقابلی بازیگران که از سال ۱۹۹۹ شروع شده بود به سوی همکاری با هم در رویارویی با دشمن مشترک و تروریسم کشیده شد (Karami, 2005: 146). می‌توان این دوره را در چارچوب بازی راهبرد دست به ماشه گذاشت که اتحادیه اروپا و روسیه همان دو زندانی نظریه قبل هستند؛ با این تفاوت که به جای تک‌روی به همکاری روی آورده و خواهان آنند که با توجه به سطح وابستگی اقتصادی-تجاری و هم‌جواری جغرافیایی به جای تقابل از مزیت‌های تعامل بهره‌برند.

الف) روابط سیاسی

سیاست همسایگی اروپا و تلاش روسیه برای اصلاح بافت ضعیف اجتماعی، اقتصادی جامعه و نظام دولتی خود در دهه ۱۹۹۰ و گفت‌وگو درباره مدیریت مرزها، مهاجرت، تلاش برای ایجاد نظام تسهیلاتی بدون ویزا در حوزه شنگن برای روسیه، حل مناقشه‌های بین‌المللی زیر نظر شورای اروپا و نظام کنترل تسلیحات با همکاری هم از سال ۲۰۰۰، از راهبردهای دو طرف در این حوزه هستند. البته می‌توان از همکاری در زمینه‌های علمی، فرهنگی، فناوری، پژوهشی، تبادل دانشجو، تسهیلات آموزشی نیز نام برد (Zarei Hedek, 2012: 90-92).

ب) روابط اقتصادی

در این حوزه اولویت‌های مسکو در دسترسی به بازارهای کشورهای اروپایی، حذف محدودیت‌های گمرکی و کیفی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی هستند. برای طرف دوم این بازی، اتحادیه اروپا نیز اصلاح نظام بانکی برای بالابردن سطح معامله‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها، ایجاد ترتیباتی برای بازپرداخت بدهی‌های شرکت‌های روسی و استفاده از یورو در فعالیت‌های اقتصادی با روسیه در ذیل این هدف قرار می‌گیرند. راهبرد اقتصادی بازیگران درباره گفت‌وگوهای انرژی اتحادیه اروپا و روسیه در اکتبر ۲۰۰۰ آغاز شد. این گفت‌وگو بر دو

فرض استوار است: ابتدا ایجاد امنیت در دستیابی به منابع انرژی برای اتحادیه اروپا و دوم، برقراری امنیت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و دستیابی به بازارهای جهانی و اروپایی برای روسیه که پیشنهاد روسیه مبنی بر پیوستن به سازمان تجارت جهانی در راستای همین هدف قرار دارد. تأسیس مرکز انرژی روسیه- اتحادیه اروپا، طرح‌های ذخیره‌سازی انرژی در آرخانگلسک و آستراخان، تسهیل روند سرمایه‌گذاری در بخش انرژی اروپا از همکاری‌های دوجانبه در این دوره هستند (Belyi, 2003: 352-356).

ج) روابط نظامی - امنیتی

از اواخر دهه ۱۹۹۰ اتحادیه اروپا به فکر افزایش توانمندی‌های نظامی خود برآمد و در راهبرد امنیتی خود بر همکاری با روسیه به سبب استفاده از نفوذ روسیه در آتلانتیک شمالی و اوراسیا، استفاده از منابع اطلاعاتی و امنیتی روسیه در مبارزه با تروریسم در جنوب آسیا (Tabatabaei and Hazrati, 2014: 190)، در مقابل سرکوب طالبان و تقویت امنیت مرزهای جنوبی، استفاده از فناوری و سرمایه غرب، نوسازی ارتش، اطلاع از سامانه دفاع موشکی ناتو در اروپا و جلوگیری از گسترش آن و از همه مهم‌تر، جلوگیری از انزوای روسیه در مسائل مهم و امنیتی جهانی از هدف‌های متقابل بازیگران است. همکاری‌های نظامی و امنیتی با تأسیس شورای ناتو- روسیه در مه ۲۰۰۲ دوباره از سر گرفته شد و روسیه به‌عنوان عضوی برابر با دیگر اعضا پذیرفته شد. رویدادهای ۱۱ سپتامبر و مشارکت روسیه در عملیات‌های ناتو در افغانستان، عراق، چین، گرجستان و ازبکستان نمونه‌ای از همکاری‌های امنیتی در این دوره است (Haghshenas and Bavir, 2011: 14).

۳. از تهدید تا رویارویی همه‌جانبه (۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸): بازی با حاصل جمع صفر

برای روسیه منطقه حوزه نفوذ و برای اروپا حفظ یکپارچگی اتحادیه، اهمیت ویژه‌ای دارد. بطوری‌که همواره روابط دو طرف را در تأثیر قرار داده و با شروع همکاری‌ها و همسوس شدن منافع این دو بازیگر در آغاز هزاره سوم، سیاست همسایگی مسکو کاهش یافت؛ اما انگیزه‌های اساسی آن یعنی حفظ گستره نفوذ در زمان اتحاد شوروی و احیای قدرت روسیه تغییر نکرد (Trenin, 2007: 95). به تدریج سیاست همسایگی اروپا^۱ در برابر سیاست همسایگی روسیه^۲ و نه در کنار آن قرار گرفت. روسیه بازیگر پیش‌قدم در همکاری در ابتدای بازی، با تخطی حریف خود به تلافی رو آورد و از اقدام‌های سیاسی و سیاست‌های انرژی برای فشار بر

1. European Neighborhood Policy (ENP)
2. Russian Neighborhood Policy (RNP)

اتحادیه و کشورهای منطقه بهره جست. در مقابل، اتحادیه با متحدکردن اعضای قدیم و جدید خود با آن مقابله می‌کند تا جایی که راهبردهای تقابلی دو طرف، بازی به‌شدت رقابتی را نمایان می‌سازد.

الف) روابط سیاسی

کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۳، برای جلوگیری از تقسیم جدید مرزها در اروپا و وابستگی متقابل فزاینده، بین اتحادیه اروپای بزرگ شده و همسایگان جدید خود، سیاست همبستگی اروپایی را طراحی کرد که از سال ۲۰۰۴ اجرایی شد (Delcour, 2007: 119-121). این مسئله نشان از پایان همکاری‌ها در بازی دست به ماشه دارد. اروپا پیگیری منافع خود را بر همکاری با روسیه ترجیح داده و به قدرت‌سازی و تحکیم آن در مناطق راهبردی شرقی پرداخته است. روسیه که کشورهای بالتیک را یکی پس از دیگری به اتحادیه می‌باخت، در واکنش تصمیم گرفت در سیاست همسایگی اروپا شرکت نکند. در رویکرد دوم، کرملین در پاسخ به انتقادهای کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۴ آشکارا از الگوی مردم‌سالاری غربی انتقاد کرد؛ در ادامه الگوی مردم‌سالاری مستقل روسی (اقتدار داخلی و سپس خارجی) را ارائه و از سازمان‌های غیردولتی، احزاب محلی، جامعه مدنی و رسانه‌ها برای دستکاری انتخابات و نفوذ بر نخبگان سیاسی و اقتصادی حاکم در اوکراین، مولداوی و گرجستان حمایت کرد (Wilson and Popescu, 2009: 319, 321).

ب) روابط اقتصادی (انرژی)

در دور دوم بازی (اقتصادی) سیاست‌های روسیه در بخش انرژی در راستای بیشینه‌سازی سود خود عبارت بودند از: دولتی‌کردن بخش انرژی، کنترل انحصاری جریان عرضه (Vosoughi and Others, 2015: 148)، ساخت خطوط لوله جدید (مانند گازپروم (آلمان)، باکو به جیهان، پلو استریم (با ترکیه) با هدف کاهش اهمیت قفقاز)، تشکیل اوپک گازی (Mankoff, 2009: 14). در مقابل سیاست‌های تمرکزسازی روسیه در بخش انرژی، استفاده از انرژی به‌عنوان یک اهرم فشار سیاسی در کنار وابستگی اروپا به منبع نفت و گاز روسیه، نبود بازار یکپارچه گاز و اطمینان‌نداشتن از مسیرهای انتقالی و بحران سال‌های ۲۰۰۶ و سپس ۲۰۰۹ بر نگرانی‌های اتحادیه دامن می‌زد و نشان داد اروپا این بار نه از نظر نظامی و امنیتی بلکه از نظر اقتصادی و انرژی گروگان روسیه است (Mankoff, 2009: 9, 12). در مقابل سیاست‌های تدافعی اتحادیه، راهبرد بهینه برای فرار از شکست، عبارت بودند از: متنوع‌سازی منابع و مسیرها (ساخت خط

لوله نفت باکو-تفلیس-جیحان^۱ و خط لوله گاز باکو-تفلیس-ارزروم^۲ (Heydari and Rahnavard, 2008: 61, 62). نفوذ در حوزه سنتی روس‌ها (نوسازی شبکه انتقال گاز اوکراین)، تنوع‌بخشیدن به سبد انرژی (گسترش انرژی تجدیدپذیر، تنوع در منابع عرضه انرژی) (Sherr, 2009: 212).

ج) روابط نظامی - امنیتی

اختلاف‌ها از دخالت‌ها و حمایت‌های روسیه از مناطق جدایی طلب در مولداوی (ترانس نیستریا)، اوکراین (جمهوری مستقل کریمه)، گرجستان (آبخازیا و اوستیای جنوبی) و قره‌باغ شروع شده که با گرایش این کشورها به سوی اتحادیه، اوضاع بدتر شد. اتحادیه اروپا حضور خود در این منطقه را افزایش داده است و به صورت کلی با برنامه تاکسیس^۳ به کشورهای پیشین اتحاد شوروی کمک می‌کرد. در این بُعد از بازی برد-باخت، اتحادیه اروپا خود را قدرتی برای توسعه صلح، مردم‌سالاری و رفاه در منطقه دانسته و با مداخله‌گرایی لیبرال در پی یافتن یک راه‌حل اروپایی برای قفقاز بود (Joenniemi, 2011: 104, 107). دریافت این نشانه‌های مبتنی بر تک‌روی، برای مسکو یادآور دوران جنگ سرد و ایجاد اتحاد نظامی به جای جامعه امنیتی جمعی بود و ناتو به عنوان رقیب امنیتی تهاجمی تلقی شد (Samokhvalov, 2007: 19-21).

راهبرد دوم اروپا، استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی در قالب ناتو بود که نفوذ در مناطق پیرامونی روسیه را افزایش داد و از سوی دیگر، گامی برای از میان‌بردن قدرت بازدارندگی روسیه به حساب آمد (Mirfakhraei, 2007: 116). در مقابل، آزمایش موشک بالستیک بین‌قاره‌ای و استقرار موشک در خاک روسیه سفید، پرواز دوباره ناوگان هواپیماهای راهبردی، آزمایش قوی‌ترین بمب جهان و توقف مشارکت روسیه در پیمان نیروهای متعارف در اروپا^۴ وجوه راهبرد بهینه روسیه هستند (Abolhassan Shirazi, 2016: 19). راهبرد سوم، حمله نظامی روسیه به گرجستان پس از رأی مثبت مردم گرجستان در پیوستن به ناتو در سال ۲۰۰۸ است که می‌توان از آن به عنوان اوج هجومی شدن سیاست خارجی روسیه و تحمیل شکست راهبردی به غرب یاد کرد (Sherr, 2009: 209).

۴. مسیر یک‌طرفه اعتماد (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲): بازی شکار گوزن

در این دوره، وابستگی و مسائل مربوط به همسایگان به انگیزه‌ای برای ازسرگیری همکاری‌ها

1. Baku-Tbilisi-Ceyhan Oil Pipeline (BTC)
2. Baku-Tbilisi-Erzurum Gas Pipeline (BTE)
3. Technical Assistance to the Commonwealth of Independent States (TACIS)
4. Conventional Forces in Europe (CFE)

تبدیل می‌شوند. دو بازیگر از نظر سیاسی، اقتصادی و امنیتی در قالب بازی شکار گوزن برای دست‌یابی به سود مشترک (شکار گوزن) همکاری را آغاز می‌کنند. گوزن در این بازی در حوزه سیاسی (نفوذ)، در اقتصاد (تأمین امنیت عرضه و تقاضا در انرژی) و در حوزه امنیتی (تأمین امنیت و ثبات و حل بحران‌های منطقه‌ای) است. اما در ادامه منافع شخصی در قالب خرگوش (کسب استقلال در حوزه اقتصادی و امنیتی و تکیروی در ارتباط با همسایگان) بار دیگر وارد بازی شده و بازیگران را به تصمیم‌گیری در ادامه بازی با همکاری یا پیگیری سیاست یک‌جانبه وامی‌دارد.

الف) روابط سیاسی

نگرانی نسبت به گسترش ناتو به شرق، همکاری اروپا با ایالات متحد در مورد گرجستان، اوکراین، صربستان و مونته‌نگرو، نصب سامانه دفاع موشکی آمریکا در اروپا، استقلال کوزوو، مسئله مالکیت بر قطب شمال و خروج روسیه از پیمان منع سلاح‌های متعارف مسائلی بودند که روسیه در زمان مدودیف با غرب دچار کشمکش شده بود. با کارکرد ضعیف سازمان امنیت اروپا در برقراری صلح و امنیت اروپایی، طرح مدودیف متشکل از ایجاد نظم نوین اروپایی به‌عنوان محرک خوبی برای چرخش در سیاست‌های تقابلی و الزام به‌کارگرفتن رویکردی جدید در برابر روسیه شد. اندرس فو راسموسن^۱، دبیر کل پیشین ناتو در نشست ۲۰۱۰ در لیسبون، اعلام کرد شورای ناتو و روسیه می‌توانند همکاری‌های عملی در زمینه‌هایی مانند تروریسم، گسترش ندادن سلاح‌های هسته‌ای، دفاع موشکی، افغانستان، مبارزه با مواد مخدر و امنیت دریایی را تقویت کنند (Hyde-Price, 2008: 30, 31).

ب) روابط اقتصادی

اختلال در سیستم‌های مالی در پی بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ خسارت‌های زیادی را به اروپا وارد کرد و حلقه‌های ضعیف اروپا نمایان‌تر شد. اقتصاد روسیه نیز متأثر از شرایط بحرانی که در سال قبل از بحران حدود ۷ درصد رشد داشته است، در سال ۲۰۰۹ بیش از ۸ درصد کاهش یافته و آفت قیمت نفت و گاز را نیز به‌دنبال داشت (Kiani, 2009: 76). بنابراین نشست خانتی-مانسیک در سال ۲۰۰۸ با هدف مشارکت برای نوسازی «روستو» در ابعاد اقتصادی، فنی، حکومت قانون و عملکرد مناسب سیستم قضایی مورد توجه قرار گرفت و مشارکت به نقطه‌ای محوری برای همکاری (گوزن) تبدیل شد (Ilkhanipour and Bahrami, 2013: 36-37). گوزن دیگر این بازی ایجاد انگیزه در راستای همکاری‌ها و عضویت روسیه در سازمان

1. Anders Fogh Rasmussen

تجارت جهانی بود. تلاش روسیه در پیوستن به سازمان تجارت جهانی^۱ از سال ۱۹۹۳ آغاز شد و با توافق دوجانبه در سال ۲۰۰۴، اتحادیه اروپا از پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی استقبال کرد و سرانجام در ۲۲ اوت ۲۰۱۲ به این سازمان پیوست (Tumanov, 2011: 124).

سود مشترک سوم گوزن انرژی است. برای اروپا پیوسته انرژی از اولویت‌های سیاست همسایگی اروپا بوده است و با افزایش مصرف‌کنندگان انرژی، بالارفتن قیمت انرژی، افزایش تهدیدهای تروریستی و آسیب‌پذیری سیستم حمل‌ونقل انرژی، اتحادیه به دنبال کردن راهکاری مناسب با همکاری روسیه برای تأمین امنیت عرضه مصمم شد (Ferrero-Waldner, 2007: 4). روسیه خریدار اصلی تولیدکنندگان انرژی منطقه (ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و قزاقستان) است و هم‌زمان فروشنده اصلی به مصرف‌کنندگان منطقه (گرجستان، روسیه سفید، اوکراین، ارمنستان و مولداوی) محسوب می‌شود (Dehghani Firoozabadi and Mousavi, 2011: 59)؛ اما از سویی وابسته به بازار اروپا است و امکان تنوع‌بخشیدن به صادرات منابع خود را در کوتاه‌مدت ندارد.

در این زمان، انتظار برای شکار گوزن، ناگهان خرگوشی (کشورهای مسیر حمل‌ونقل مانند لهستان، لیتوانی، اوکراین، ترکیه، گرجستان) به‌عنوان طعمه جدید وارد فضای شکار می‌شوند و بازیگران را در تردید انتخاب خود براساس اعتماد-بی‌اعتمادی قرار می‌دهد. این کشورها در چارچوب هدف‌های خود (گرفتن امتیاز از روسیه و جلب حمایت اتحادیه)، وارد بازی می‌شوند و با اختلال در حمل‌ونقل گاز یا افزایش قیمت انتقال گاز، خود را در این بازی مطرح می‌کنند. در واکنش اتحادیه اروپا با بی‌اعتمادی به روسیه، تک‌روی را انتخاب کرده و در این حوزه به جایگزینی منابع الجزایر، سخت خط لوله نابوکو، واردات گاز مایع از شمال آفریقا، بهره‌برداری از منابع قطر و نروژ (Niakoui and Others, 2011: 207, 208)، تصویب طرح آزادی‌بخش انرژی، ایجاد راهبردی مطمئن برای تأمین انرژی در قالب سند سبز، اختصاص بودجه نوسازی بخش انرژی اوکراین و خروج سرمایه خارجی از روسیه (بیش از ۴۵ درصد کاهش یافت) می‌پردازد (Dimitrova and Dragneva, 2009: 867). اقدام‌های واکنشی روسیه و گازپروم در حوزه انرژی شامل گسترش بازار گاز طبیعی به کشورهای شرق مانند چین، کره جنوبی و ژاپن، ساخت خط لوله جریان جنوبی برای دورزدن اوکراین و دیگر کشورهای مسیر حمل‌ونقل و تهدید به قطع گاز و افزایش قیمت گاز نشان از بی‌اعتمادی این بازیگر دارد (Mankoff, 2010: 16, 17).

در زمینه تجاری نیز رهبران اتحادیه اروپا و شش کشور همسایه شرقی این اتحادیه در ۷ مه ۲۰۰۹ اعلامیه‌ای را که به «اعلامیه مشارکت شرقی»^۲ معروف شد، امضا کردند. هدف آن، ایجاد شرایط لازم

1. World Trade Organization (WTO)
2. Eastern Partnership Declaration

برای افزایش پیوند سیاسی و همگرایی بیشتر اقتصادی است. مسکو که تا آن زمان مشارکت با تریکا، چین، هندوستان و روسیه و همکاری با بریکس^۱ را اساس کار خود قرار داده بود، از این زمان با تمرکز بر آسیای مرکزی و ایجاد اتحادیه اوراسیا انتقاد آشکار خود را از رفتار غرب در انحراف از مسیر همکاری و شکار مستقلانه خرگوش، نشان داد (Black, 2015: 131, 132).

ج) روابط امنیتی - نظامی

بازی با طرح ابتکار مدودیف آغاز می‌شود که بنابر آن برای اولین بار در ژوئن ۲۰۰۸، یک «پیمان امنیتی اروپایی» جدید ایجاد و امنیت کل اروپا را از نو معماری می‌کرد (Donaldson and Others, 2015: 403). گام بعدی مشارکت روسیه در طرح سپر دفاع موشکی بالستیک و مشارکت برای صلح ناتو بود که پیش از این مسکو به آن اعتراض می‌کرد. با آغاز بازی توسط روسیه، کشورهای اروپایی نیز در قالب ناتو این مذاکرات را براساس توافقنامه همکاری و مشارکت^۲ ادامه دادند که در نشست مسکو در ژوئیه ۲۰۰۹، ناتو اجازه حمل و نقل نیرو و اسلحه را در سراسر فضای اتحاد شوروی به دست آورد (Aghaei and Others, 2014: 31). عملیات مشترک هوایی، تجسس و ترافیک هوایی (۲۰۱۱)، «طرح اقدام» در سه حوزه همکاری در کشف مواد منفجره، تقویت سیستم امنیتی و دفاع مشترک در برابر تروریسم (۲۰۱۲-۲۰۱۰) (Ahmadian and Others, 2012: 9-15) و جلوگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای (به‌ویژه در خصوص تحریم‌ها علیه ایران و کره شمالی) مسائلی بودند که روسیه و غرب را به هم متصل می‌کرد (Donaldson and Others, 2015: 379).

چالش اتحادیه اروپا در این دوره، چگونگی مقابله با درگیری‌های بین همسایگان خود (خرگوش اول) است. اتحادیه برای افزایش قابلیت‌های خود به عنوان بازیگر امنیتی، در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۷ پیمان لیسبون را تصویب کرد. اقدام دیگر اروپا، طرح ریزی اعلامیه مشارکت شرقی^۳ برای تمرکز بر منطقه بود. اقدام روسیه در روابط با کشورهای مستقل هم‌سود^۴ و ایجاد فضای اقتصادی واحد^۵ یک ساختار ادغام منطقه‌ای است که تابع مشابه اتحادیه اروپا برای کمک به اعضای خود برای مقابله با وابستگی متقابل است. همچنین روسیه سیاست همسایگی را جایگزین اقتصاد اروپا برای یکپارچه‌سازی، سرمایه‌گذاری بر روی بحران‌های سیاسی و اقتصادی معرفی کرد (Dimitrova and Dragneva, 2009: 857).

خرگوش دوم بازی تکثیر رادیکالیسم دینی در خاورمیانه است که هر دو بازیگر در کنار

1. Brazil, Russia, India, China and South Africa (BRICS)
2. Partnership and Cooperation Agreement (PCA)
3. Eastern Partnership (EAP)
4. Commonwealth of Independent States (CIS)
5. The Single Economic Space (SES)

حل این بحران به دنبال بهره‌برداری از آن هستند. در پرتو تهدیدهای ناشی از تروریسم، تندروی اسلامی، جرائم سازمان‌یافته، کنترل مهاجرت، بی‌ثباتی در منطقه گسترش یافته و اروپا و روسیه را قطع نظر از زیان‌های اقتصادی برای روسیه (کاهش صادرات اسلحه و هماهنگ‌نبودن با کشورهای صادرکننده گاز)، در تأثیر قرار می‌دهد (Abolhassan Shirazi, 2016: 24). از همین روی لیبی پیچیده‌ترین چالش برای اتحادیه از زمان اجرای لیبسون از سال ۲۰۰۹ و روسیه بوده است. در این مرحله از بازی نیز، کشورهای اروپایی بار دیگر منفعت حاصل از همکاری در قالب سازمان ناتو بر سر تغییر رژیم در لیبی و دیگر کشورهای خاورمیانه را به همکاری نامطمئن با روسیه ترجیح داده و به اقدام می‌پردازد. این بدین معناست که بار دیگر روسیه در ترتیبات امنیتی و مسائل منطقه‌ای مرتبط با خود کنار زده می‌شود.

۵. دوئل روسیه و اتحادیه اروپا (۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸): بازی جوجه

در آغاز این دوره، دستکاری در انتخابات ۲۰۱۲ و انتخاب پوتین، به همراه وخامت اوضاع در منطقه با تشدید بحران سوریه و شکل‌گیری بحران اوکراین، مسیر پیشرو برای ادامه همکاری را به سوی همکاری نکردن و تقابل هدایت کرد تا جایی که اروپا برخلاف خواسته‌اش وارد تعارض با بزرگ‌ترین قدرت همسایگی شرقی خود شد و کرملین نیز اروپا را دیگر به‌عنوان شریک در نظر نمی‌گیرد؛ در این زمان، رفتار بازیگران در قالب بازی جوجه نمایان می‌شود که در آن دو طرف بار دیگر بر سر مسائل امنیتی و همسایگی خود در مسیری بدون بازگشت وارد فضایی جدی‌تر از دوره قبل می‌شوند و دست به عمل می‌زنند.

الف) روابط سیاسی

هم‌زمان با دستکاری نتیجه‌های انتخابات مجلس قانون‌گذاری ۲۰۱۲ مسکو و انتخاب دوباره پوتین، اتحادیه بار دیگر انتقادهای خود را درباره مسائل حقوق بشر و رعایت نکردن قانون به روسیه گوشزد کرد. همین مسئله واکنش روسیه مبنی بر دخالت اتحادیه در مسائل داخلی یک کشور را در پی داشت (Marten, 2015: 194) و در مقابل سیاست حمایت از احزاب حاشیه برای بی‌ثباتی دشمنان خود را در پیش گرفت. برای نمونه، با رهبران احزاب دست راستی در کشورهای آلمان و فرانسه هم‌نشینی کرده یا در مجارستان، حزب مخالف جویبیک را مورد حمایت خود قرار داد (Orenstein, 2014: 1, 3). واضح است نسبت به دوره مدودیف و همکاری با غرب، روسیه وارد دوره نامطمئن داخلی و بازاندیشی در سیاست خارجی با تأکید بر همسایگان اوراسیا و چین شده است. در واقع، مسکو شکاف ارزش‌ها را بین خود و دیگران پذیرفته و از پیگیری سیاست‌های نزدیک به اروپا دست برداشته است (Mankoff, 2014: 66).

ب) روابط تجاری - اقتصادی

در این دوره، اتحادیه اروپا برای ایجاد تغییر در سیاست‌های روسیه در اوکراین و به‌ویژه پیوستگی کریمه به خاک خود، جلوگیری از تحقیر خود و از دست‌دادن سود موجود (رابطه با کشورهای اروپای شرقی و خاورمیانه) در این بازی، دست به عمل شد و با به‌کارگرفتن سیاست تحریم همه تبادلات میان دوطرف از جمله تأمین امنیت عرضه و تقاضای انرژی، سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تبادلات در حوزه کالاهای صنعتی و صادرات مواد خام را متأثر کرده است (Niknami, 2015: 9).

نگرانی‌های روسیه نیز نه تنها تفکر امنیتی تاریخی روسیه را زنده نگه داشت؛ بلکه ضرورت ایجاد می‌کرد تا با دراختیارگرفتن زیرساخت‌های صادرات انرژی از توانایی اقتصادی خود برای افزایش قدرت سیاسی بهره برد و با تغییر در جهت سیاست خارجی خود به‌سوی شرق، به‌دنبال سرمایه‌گذاری در حوزه منابع انرژی و تنوع در تجارت انرژی، تعامل با چین و واردکردن بازار آسیا برای ایجاد تعادل با بازار اروپاست (Trenin and Others, 2013: 15).

ج) روابط امنیتی - نظامی

در رابطه با تحولات خاورمیانه گرچه مواضع روسیه و غرب در برابر اعتراض‌ها و تغییرهای رویدادها در تونس و مصر (تغییر دمکراتیک) تقریباً مشابه بود با این حال، جنگ داخلی در لیبی و سپس کمک نظامی ناتو به مخالفان دولت قذافی، علاوه بر تغییر رژیم، به اختلاف‌ها میان روسیه و غرب در رویارویی با تحولات خاورمیانه نیز دامن زد (Buckley, 2012: 88).

در بحران سوریه روسیه متأثر از رویدادهای لیبی در موضع اولیه از پذیرش موضع دولت‌های عربی (تغییر رژیم و وضع تحریم)، خودداری کرد. در اکتبر ۲۰۱۱ و در فوریه ۲۰۱۲ مسکو و پکن پیش‌نویس قطعنامه دولت‌های غربی درباره محکومیت نقض گسترده حقوق بشر در سوریه را وتو کردند (Portela, 2012: 152). در مقابل، پاسخ اتحادیه اروپا در قالب تحریم، دادن کمک نظامی به شورشیان مسلح سوریه و محدودیت‌های مالی برای دولت بود (Ahmad Khan Beigi, 2013: 1025).

پس از حمله دولت با گاز سارین به حومه دمشق و با قطعی‌بودن تهدید حمله نظامی غرب، روسیه برنامه‌های شش مرحله‌ای را برای حذف همه سلاح‌های شیمیایی از سوریه با نظارت سازمان ملل متحد اعلام کرد و با تغییر مسیر بازی، حضور غرب در حیات خلوت خود جبران کرده و با افزایش تنش و پدیده مهاجرت به افزایش فشار بر اروپا پرداخت (Donaldson and Others, 2015: 408-413). با وجود این پیشرفت در عمل نشانه‌ای از

فروکش این بحران دیده نشد؛ در واقع هیچ‌یک از دو بازیگر نتوانستند موفق به تسلیم دیگری و اجبار او به دنباله‌روی از سیاست‌های خود شوند و در بحران هر یک با سیاست‌های خاص خود به دیگری پاسخ و به راه خود ادامه می‌دهند.

در ادامه دو بازیگر رو در روی هم و این بار در اوکراین قرار می‌گیرند. در این دوره به‌علت نبود تکنولوژی لازم در زمینه حفاری و ضعف مدیریت برای بهره‌برداری از منابع گازی، پارلمان اوکراین به‌سوی تولیدکنندگان خارجی گاز چون اکسون موبیل، شورون، توتال، یوروگاز و رویال داچ شل روی آورد. محقق‌شدن این موضوع به معنی کاهش وابستگی اوکراین در زمینه گاز به روسیه و گاز پروم است (Ajili and Ahar, 2014: 67).

اما بحران با پرهیز یانوکوویچ رئیس‌جمهور اوکراین از بستن توافق تجاری با اتحادیه اروپا و خودداری از عضویت در ناتو و تجدید اجاره بلندمدت ناوگان دریای سیاه روسیه در سواستوپل کریمه آغاز شد و روسیه به بهانه محافظت از اکثریت قومی روس از حمله‌های ملی‌گرایان اوکراین، نیروهای نظامی خود را در کریمه مستقر کرد و با حمایت روسیه و برگزاری فرماندوم در نهایت کریمه به روسیه پیوسته شد. راهبرد پوتین برای جلوگیری از رسیدن مرزهای اتحادیه اروپا به مناطق غربی روسیه با استفاده از اهرم‌های اقتصادی، متزلزل کردن حکومت طرفدار غرب، تحریک روس‌زبانان مناطق شرقی برای درخواست همه‌پرسی و استفاده از ظرفیت‌های نظامی روسیه همچون پایگاه گواردسکوی در کریمه و نیروهای شبه‌نظامی در منطقه بود (Daheshyar, 2014: 101-106). در تقابل با این اقدام روسیه، اروپا با بسته تحریمی مشترک آمریکا و اروپا، بانک‌های دولتی را هدف گرفته و صدور تکنولوژی مورد نیاز صنایع نظامی و نفتی به روسیه را ممنوع کرد (Donaldson and Others, 2015: 416-417).

بحران اوکراین نشان داد که کرملین و بروکسل در حال مبارزه بزرگی بودند؛ به‌طوری که پس از به‌کارگیری تحریم‌ها و سیاست‌های مقابله‌ای و با وجود تغییر اساسی سیاسی در اوکراین، ابتکارهای دیپلماتیک مکرر و میلیاردها دلار کمک خارجی، هیچ نشانه‌ای از پایان بحران وجود ندارد. بنابراین در این بحران نیز هیچ‌گونه تردیدی در حرکت بازیگران در راستای منافع خود در این مسیر منتهی به نابودی مشاهده نمی‌شود و با راهبرد همکاری نکردن به طمع به‌دست آوردن امتیاز کل بازی و تحقیر حریف، خط قرمزهای بازی و یکدیگر را زیر پا نهاده و رو در روی هم در حرکت هستند.

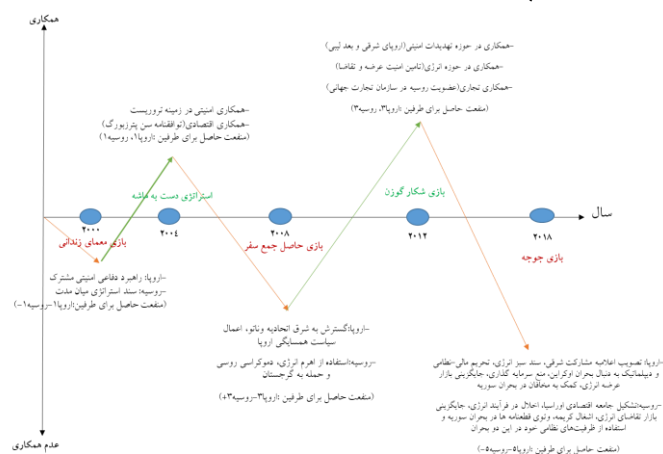
نتیجه

نظر به سیر تحول‌های هجده‌ساله روابط روسیه و اتحادیه اروپا و بر اساس منطق بازی‌های متنوع این دوره، می‌توان به این نتیجه‌های کلی اشاره کرد:

۱. روابط این دو بازیگر در طول دوره‌های شانزده‌ساله از یک‌سو در تأثیر هدف‌های

ژئوپلیتیکی، سیاسی، امنیتی، حقوق بشر و منافع متضاد، به گسست هویتی، هنجاری، گفتمانی و حاکمیت فضای مبتنی بر نداشتن قطعیت، ابهام، تنش و رقابت بوده است؛ از سوی دیگر، عامل‌هایی مانند مجاورت جغرافیایی، چالش‌ها و تهدیدهای نوین بین‌المللی و وابستگی متقابل (نیاز روسیه به سرمایه و فناوری غرب برای توسعه و نیاز اتحادیه اروپا به انرژی و همکاری با این کشور در برقراری ثبات و امنیت در منطقه اوراسیا) بروکسل و مسکو را دست‌کم در میان‌مدت ناگزیر از ادامه همکاری و مدیریت بحران در روابط خود ساخته است.

۲. بررسی تحول‌های این دوره نشان از روند صعودی روسیه در رسیدن به ثبات داخلی و به تبع آن ایفای نقشی گسترده و مهم در عرصه خارجی دارد. روسیه منفعل پس از فروپاشی اتحاد شوروی، به مرور زمان جایگاهی جدید در معادله‌های قدرت پیدا کرده است؛ اما روسیه برای تحقق بیشتر هدف‌ها، الگوهای همراه با همکاری و تعارض را در پیش گرفته است. ابتدا با اعتماد به اروپا آغاز می‌کند و با طی مراحل مختلف آزمون و خطا که همراه با سودمندی و هزینه‌های بسیار است سعی در ادامه مسیری دارد که درک اروپاییان از تهدید را بالا برده و این پیام را به همراه دارد که روسیه‌ای جدید در حال قدرت گرفتن است؛ اما در پس این بازی‌ها انگاره‌ای ثابت باقی مانده است: اروپا نمی‌خواهد اتحاد شوروی قدرت خود را بار دیگر این‌بار به شکل فدراسیون روسیه نشان دهد. بر همین اساس هر کجا بازی همکاری‌جویانه‌ای قدرت و توان روسیه را در تقابل با اروپا افزایش دهد، اروپا از همکاری صرف‌نظر کرده و الگویی تقابلی را در پیش می‌گیرد؛ تقابلی که تا امروز ادامه داشته و سبب ایجاد روابط سینوسی همکاری‌کردن و همکاری‌نکردن و عمل بنابر بازی‌های مختلف با راهبردهای متفاوت می‌شود که به نظر می‌رسد همچنان ادامه داشته باشد.



نمودار ۱. نمودار شکل‌گیری روابط سینوسی اتحادیه اروپا و روسیه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸

Source: Authors.

References

A) Persian

1. Abolhassan Shirazi, Habiballah (2016), "Comparative Study of Russian Foreign Policy during Putin and Medvedev", **International Relations**, Vol. 9, No. 33, pp. 59-56.
2. Aghaei, Seyed Davood, Bahaddin Maryami and Ali Khalilipour Roknabadi (2014), "New NATO Strategies in the Framework of the Lisbon Declaration of 2010 against the Russian Federation", **Central Eurasia Studies**, Vol. 7, No. 1, pp. 21-36.
3. Aghaei, Seyyed Davood and Alireza Samoodi (2013), "Areas of Conflict and Competition between the European Union and Russia", **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 82, pp. 1-28.
4. Ahmad Khan Beigi, Samaneh (2013), "The Impact of American and European Policy toward the Syrian Crisis on Transatlantic Disagreements", **Foreign Policy Quarterly**, Vol. 7, No. 4, pp. 1013-1030.
5. Ahmadian, Ghodrat, Saleh Boloki and Maryam Saremi Fard (2012), "The New Strategic Concept of NATO (2010) and its Security Consequences in NATO-Russia Relations", **Central Asia and the Caucasus Studies**, No. 80, pp. 1-3.
6. Ajili, Hadi and Leila Ahar (2014), "The Role of the Economic and Financial Interests of Russia and the European Union in the Crisis of Ukraine (2014)", **Economic and Political Quarterly**, No. 298, pp. 58-73.
7. Daheshyar, Hossein (2014), "Russian Foreign Policy towards Ukraine: the Inevitability of the Crisis", **Foreign Relations Quarterly**, Vol. 6, No. 21, pp. 83-122.
8. Dehghani Firoozabadi, Seyyed Jalal and Sayed Rahman Mousavi (2011), "Indicators of Russia's Energy Security Strategy towards the European Union", **Afagh Security Quarterly**, No. 12, pp. 37-66.
9. Haghshenas, Mohammadjavad and Amin Bavir (2011), "The Methods of Russia's Encounter with Nato's Development to the East", **Studies of International Relations**, Vol. 4, No. 16, pp. 9-34.
10. Heydari, Mohammad Ali and Hamid Rahnavard (2008), "Georgia in the Prospect of Neighborhood Policy of the European Union", **Central Eurasia Studies**, Vol. 1, No. 2, pp. 49-66.
11. Ilkhanipour, Ali and Somayeh Bahrami (2013), "The Effect of Energy Effect on Russia-EU Relations", **Central Asia and the Caucasus Studies**, No. 81, pp. 29-58.
12. Karami, Jahangir (2005), **Developments in Russian Foreign Policy, Government Identity and the West Issue**, Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
13. Kiani, Davood (2009), "New Transatlanticism and its Influence on EU-Russia Relations", **Strategic Quarterly**, Vol. 18, No. 51, pp. 169-179.

14. Mirfakhraei, Seyyed Hassan (2007), "The Crisis of the US Missile Defense Shield in Eastern Europe: Objectives and Consequences", **Law and Policy Quarterly**, Vol. 9, No. 22, pp. 99-140.
15. Niakoui, Seyyed Amir, Morteza Bagian Zarchi and Seyyed Hamid Hosseini (2011), "EU Energy Policies and Reduction of Russian Dependency", **Political and International Approaches Quarterly**, No. 30, pp. 193-226.
16. Niknami, Roxana (2015), "Measuring the Impact and Effectiveness of Sanctions: EU-Imposed Measures against Russia", **Foreign Relations Quarterly**, No. 25, pp. 7-38.
17. Omidi, Ali, Ehsan Gholamzadeh and Fatemeh Fahimi (2012), "An Analysis of Iranian-American Conflict in the Nuclear Program in the Framework of Game Theory", **International Journal of Political and International Knowledge**, No. 1, pp. 121-112.
18. Panduston, William (2012), **Convict of Prisoner**, Translated by Abbas Ali Kitayeri, Tehran: Maziar.
19. Tabatabaei, Mohammad and Razieh Hazrati (2014), "The Impact of 9/11 on Improving the Status of Russia in the International System (2001-2012)", **International Relations**, No. 28, pp. 167-197.
20. Vosoughi, Saeed, Masoomeh Zarei Hedek and Mohammad Zarei Hadak (2015), "Energy Interaction Strategy in the Relations between Russia and the European Union", **Central Eurasia Studies**, Vol. 8, No. 18, pp. 127-148.
21. Zarei Hedek, Masoomeh (2012), **Russian Foreign Policy in the EU during the Putin Period**, Tehran: Ava Press.

B) English

1. Arbatova, Nadia Alexandrova (2008), "European Security after the Kosovo Crisis: the Role of Russia", **Russian Academy of Sciences**, Available at: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/14683850108454637>, (Accessed on: 10/12/2018).
2. Belyi, Andrei V. (2003), "New Dimensions of Energy Security of the Enlarging EU and Their Impact on Relations with Russia", **Taylor and Francis, European Integration**, Vol. 25, No. 4, pp. 351-369.
3. Black, J. L. (2015), **The Russian Presidency of Dmitry Medvedev, 2008-12**, New York: Routledge.
4. Buckley Caitlin A. (2012), "Learning from Libya, Acting in Syria", **Journal of Strategic Security (JSS)**, Vol. 5, No. 2, pp. 81-104.
5. Carmichael, Fiona (2005), **A Guide to Game Theory**, Harlow: Pearson Education Limited.

6. Delcour, Laure (2007), "Does the European Neighborhood Policy Make a Difference? Policy Patterns and Reception in Ukraine and Russia", **European Political Economy Review**, No. 7, pp. 118-155.
7. Dimitrova, Antoinette and Rilke Dragneva (2009), "Constraining External Governance: Interdependence with Russia and the CIS as Limits to the EU's Rule Transfer in the Ukraine", **Journal of European Public Policy**, Vol. 16, No. 6, pp. 853-872.
8. Donaldson Robert, Joseph L. Noguee and Vidya Nadkarni (2015), **The Foreign Policy of Russia (Changing Systems, Enduring Interests)**, New York: Routledge, Fifth Edition.
9. Ferrero-Waldner, Benita (2007), "The European Union and the World: a Hard Look at Soft Power", Columbia University, Sep. 24, Available at: http://data.ellispub.com/pdf/EN/2007/Rapid/SPEECH-07-576_EN.pdf, (Accessed on: 5/8/2018).
10. Hyde-Price, Adrian (2008), "A 'Tragic Actor'? a Realist Perspective on Ethical Power Europe", **International Affairs**, Vol. 84, No. 1, pp. 29-44.
11. Joenniemi, Petti (2011), "The Georgian-Russian Conflict: Acute, Frozen or Settled?", in: Alexander Astrov, **The Great Power; (Miss) Management**, England: Ashgate, pp. 103-115.
12. Kreps, M. David, Paul Milgrom, John Roberts and Robert Wilson (1982), "Rational Cooperation in the Finitely Repeated Prisoners' Dilemma", **Journal of Economic Theory**, Vol. 27, No. 2, pp. 245-252.
13. Mankoff, Jeffrey (2009), **Eurasian Energy Security**, Council Special Report, No. 43, Council on Foreign Relations.
14. Mankoff, Jeffrey (2010), "Internal and External Impact of Russia's Economic Crisis", **Ifri**, pp. 1-25, Available at: https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/ifriengeconomiccrisisinrussia_mankofffevrier2010.pdf, (Accessed on: 10/7/2017).
15. Mankoff, Jeffrey (2014), "Russia's Latest Land Grab; How Putin Won Crimea and Lost Ukraine", **Foreign Affairs**, Vol. 60, pp. 60-68.
16. Marten, Kimberly (2015), "Putin's Choices: Explaining Russian Foreign Policy and Intervention in Ukraine", **The Washington Quarterly**, Vol. 38, No. 2, pp. 189-204.
17. Narahari, Y. (2008), "Game Theory", **Department of Computer Science and Automation Indian Institute of Science**, Available at: <https://docplayer.net/22509290-Game-theory-lecture-notes-by-y-narahari-department-of-computer-science-and-automation-indian-institute-of-science-bangalore-india-july-2012.html>, (Accessed on: 10/7/2017).
18. Orenstein, Mitchell A. (2014), "Putin's Western Allies, Why Europe's Far Right is on the Kremlin's Side", **Foreign Affairs**, pp. 1-3.

19. Portela, Clara (2012), "The EU Sanctions Operation in Syria: Conflict Management by Other Means", **UNISCI Discussion Papers**, No. 30, pp. 151-158.
20. Samokhvalov, Vsevolod (2007), "Relations in the Russia-Ukraine-EU Triangle: 'Zero-Sum Game' or not?", **EUISS**, No. 68, pp. 1-43.
21. Sherr, James (2009), "The Implications of the Russia-Georgia War for European Security", in: Svante E. Cornell and S. Frederick Starr, **The Guns of August 2008: Russia's War in Georgia**, New York: The Studies of Central Asia and the Caucasus, pp. 196-225.
22. Sokov, Nikolai (2000), "Russia's Military Doctrine", **NTI**, Available at: <https://www.nti.org/analysis/articles/russias-2000-military-doctrine/>, (Accessed on: 21/12/2018).
23. Tema, Malvinas (2014), "Basic Assumptions in Game Theory and International Relations", **International Relations Quarterly**, Vol. 5, No. 1, Available at: https://www.southeast-europe.org/pdf/17/dke_17_a_e_Malvina-Tema_Game-Theory-and-IR.pdf, (Accessed on: 14/7/2018).
24. Trenin, Dimitri (2007), "Russia Redefines itself and its Relations with the West", **The Washington Quarterly**, Vol. 30, No. 2, pp. 95-105.
25. Trenin, Dmitri, Maria Lipman and Alexey Malashenko (2013), "The End of an Era in EU-Russia Relations", **Carnegie Moscow Center**, pp. 1-30, Available at: https://carnegieendowment.org/files/new_era_russia_eu.pdf, (Accessed on: 8/6/2017).
26. Tsygankov, Andrei P. (2016), **Russia's Foreign Policy; Change and Continuity in National Identity**, Rowman and Littlefield.
27. Tumanov, Sergey, Alexander Gasparishvili and Fkaterina Romanova (2011), "Russia-EU Relations, or How the Russians Really View the EU", **Journal of Communist Studies and Transition Politics**, Vol. 27, No. 1, pp. 120-141.
28. Wilson, Andrew and Nicu Popescu (2009), "Russian and European Neighborhood Policies Compared", **Taylor and Francis, Southeast European and Black Sea Studies**, Vol. 9, No. 3, pp. 317-331.